

رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم با اشاره به طمع‌ورزی صهیونیست‌ها به نتایج مذاکرات هسته‌ای وعده دادند

اسرائیل ۲۵ سال بعد را نخواهد دید

صفحه ۲



عکس: Leader.ir

سازمان ملل تجاوز زمینی به یمن را محکوم کرد

هشدار موشکی انصارالله به عربستان

صفحه ۱۵

فرمانده ناچا در قرارگاه اربعین در مهران خبر داد

افزایش ۵ برابری گیت‌های مرزی اربعین

صفحه ۴

عراقچی منکر شد، شمشانی و صالحی تأیید کردند

سند چهارم توافق چرا انکار شد؟

صفحه ۲



پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۴ | ۲۶ ذی‌القعده ۱۴۲۴ | ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵ | سال هفتم | شماره ۱۶۹۵ | صفحه ۱۰۰۰ | اتومان
VATAN-E-EMROOZ | Vol.07 | No.1695 | Thu.Sep.10, 2015 | ISSN:2008-2886

نگاه

رهبر معظم انقلاب پس از آنکه نسبت به استراتژی نفوذ جبهه استکبار به داخل کشور هشدار دادند در دیدارهایی برخی مصادیق نفوذ را نیز معرفی کردند. اصولاً استراتژی بلندمدت نظام سلطه بر اساس استعمار فرانو به گونه‌ای است که عناصری از ملت تحت استعمار را تحت قبضه و تصرف درآورد و بدون آنکه مردمان آن کشور از آن مسأله آگاه باشند، از افرادی داخل آن کشور برای استحاله استفاده می‌کند. ۳ هشدار رهبر معظم انقلاب در دیدارهای پس از رو کردن دست دشمن در پروژه نفوذ بدین قرار است:

الف - مشکلات فرهنگی موجب شده به قول خود ایشان خواب از چشمانشان ریخته شود. ۲ کار اساسی و اصلی است که باید انجام بگیرد؛ یکی تولیدات فرهنگی سالم در زمینه‌های مختلف و یکی جلوگیری از تولیدهای مضر و به اصطلاح متاع ب-ایشان همچنین فرمودند مجلس خبرگان باید استقلال فکری داشته باشد، زیرا استکبار درصد آن است که کلیشه‌های مورد نظر خودش را به همه مردم دنیا تحمیل کند، هم به آحاد ملت‌ها، هم بویژه به مسؤولان و مؤثران کشورها یعنی دولت‌ها، نمایندگان مجالس، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان و به قول خودشان اتاق‌های فکر، متأسفانه دیده شده برخی از کسانی که در اصطلاح فرهنگ سیاست تکنوکرات خوانده شده و عموماً نزدیکان آقای هاشمی و دولت‌های سازندگی و یازدهم هستند با ادبیاتی سخن می‌گویند که درست برخلاف مبانی اسلامی است؛ با استفاده از تعبیری چون حقوق

پسر عموها از زبان یکدیگر روشنفکر یعنی جلال، روحانی یعنی طالقانی

حسین قدیانی

سخن بر سر دو انسان است؛ دو انسان از یک تبار، از یک

دیار، از یک آل، از یک ایل، از یک قبیله، از یک قبیله، از یک قیل، از یک قبیل، از یک قیل، از یک دین، از یک آیین. سخن بر سر دو انسان است که یکی خوب می‌نویست و دیگری خوب می‌سرشت.



یکی خوب قلم می‌زند و دیگری خوب قدم. یکی برای دین، از مردم می‌گفت و دیگری برای مردم، از دین. یکی ترجمه‌هایش را کتاب می‌کرد و دیگری تجربه‌هایش را خطاب. یکی معلم بود و دیگری معمم. یکی روشنفکر مبارز بود و دیگری روحانی بارز. یکی مسلمان بود و دیگری سلمان... دیگری ابودر... دیگری روحانی اما روحانی مردمی، روحانی خاکی، روحانی ضدغرب و ضدغرب‌زدگی، روحانی رک و راست، روحانی ساده، صاف و باخلاص؛ نه روحانی فخرفروش به عوام‌الناس، نه روحانی متوجه، نه روحانی متکبر، نه روحانی مغرور، نه روحانی منم، نه آن روحانی که امام دل خون از ایشان داشت و «آخوند آمریکایی» خطاب‌شان می‌کرد. آری! سخن بر سر جلال و طالقانی است. یکی ما را به اینجا رساند که بنویسیم؛ «روشنفکر داریم تا روشنفکر!» و دیگری ما را بدین جا رساند که بگوییم؛ «روحانی داریم تا روحانی!» فی‌نفسه، نه روشنفکر بودن ملاک است و نه روحانی بودن معیار که جلال چند صباحی ولو به اجبار پدر درس حوزه خوانده بود و طالقانی ولو به جبر روزگار غیرمرتبط با محافل روشنفکری نبود. روشنفکر اگر جلال نباشد و به جای مردم، دل در گرو اجنبی داشته باشد، وای بر روشنفکر. روحانی اگر طالقانی نباشد و به جای مردم، دل در گرو اجنبی داشته باشد، در وهله اول اتفاقاً سیلی از همین کدخدا می‌خورد؛ غرب، به روشنفکر غرب‌زده، نیز به روحانی غرب‌زده، جور دیگری احترام و ذکات خود را نشان می‌دهد؛ تو وقتی از نفع مردم خود به نفع منافع اجنبی بگذری، چه روشنفکر باشی، چه روحانی، چه کت و

تبارشناسی افسران پروژه نفوذ

سیدمهدی حاجی‌آبادی

بشر، دموکراسی و... که عموماً لانه کرده در معاونت زان نهاد ریاست‌جمهوری و سازمان محیط زیست و وزارت علوم و کار و... هستند. ج- سوم اشاره فرمودند نباید به واسطه لبخند دشمن یا مساعدت کوتاه‌مدت او در موضوعی خاص فریب خورد. مسؤولان آمریکایی خیلی بد حرف می‌زنند و باید تکلیف اینگونه حرف‌ها روشن شود. دعوی داخلی آمریکا واقعی است اما آنچه رسماً می‌گویند نیاز به پاسخ دارد و اگر پاسخ داده نشود، صحبت طرف مقابل تثبیت خواهد شد. به هر ترتیب اسلام و نظام اسلامی هر دو یک پدیده‌اند و مثل همه پدیده‌ها خطرناکی آنها را تهدید می‌کند و وسیله‌ای برای مقابله نیاز است که البته در خود اسلام قرار دارد. هدف دشمن بیرونی به مخاطره انداختن موجودیت نظام همراه فکر و دستگاه زیربنایی عقیده نظام اسلامی است. دشمن درونی نیز خودی‌هایی هستند که متأسفانه بر اثر خستگی یا اشتباه در فهم راه درست و احساسات نفسانی و بزرگ انگاشتن جلوه‌های مادی غرب دچار آفت‌زدگی می‌شوند که طبیعتاً خطرش بیش از خطر اولی است. در کشوران حوادث دوران جنگ به علت داغ بودن فضای کشور چنین جریاناتی اجازه ظهور و بروز نداشتند اما پس از دفاع مقدس و فروکش کردن احساسات ناشی از دشمن بیرونی، برخی دچار چنین تغییراتی شدند و نظام سلطه نیز تمام هم و غم خود را مبنی بر یارگیری در داخل کشور

مبنا و تحلیل حقوقی نظارت استصوابی شورای نگهبان

محمد مهاجری

بسیاری نهادهای دیگر قابل مقایسه است. نهاد دادرسی اساسی، نظارت بر قوانین و مقررات را برعهده دارد. نظارت در لغت به معنای مراقب بودن و نگرستن آمده است و در ادبیات فقهی - حقوقی نظارت را به نظارت استصوابی و نظارت اطلاعاتی یا استطلاعی تقسیم کرده‌اند. نظارت استصوابی گونه‌ای از نظارت است که باید همه اقدامات منظور الیه توسط مقام ناظر تأیید و تصویب شود. مانند نظارت مدعی‌العموم (دادستان) بر فروش اموال مجبور توسط قیم و موارد دیگر. در واقع نظارت استصوابی نظارت در معنای واقعی کلمه است که نوعی نظارت اثرگذار است. از سوی دیگر نظارت اطلاعاتی یا استطلاعی نوعی از نظارت است که مقام ناظر صرفاً از همه

روزنه

«شورای نگهبان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی تشکیل و ایجاد شده است و کاروژه‌های مختلفی از جمله نظارت بر قوانین از نظر مغایرت با شرع و قانون اساسی و همچنین تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد. شورای نگهبان به موجب یک دیدگاه جزئی از قوه مقننه است از این جهت که اصول مربوط به آن در فصل ششم ذیل عنوان قوه مقننه آمده است اما شورای نگهبان به جهت صلاحیت‌هایی که دارد نمی‌تواند به عنوان جزئی از ارکان قوه مقننه به حساب آید. تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی مانع از آن است که شورای نگهبان را ذیل قوه مقننه برشماریم. کاروژه‌های شورای نگهبان یا شورای قانون اساسی فرانسه و

جمهوری اسلامی که همان ایمان مردم است. اینها اگر چه خودی هستند اما سرباز دشمنند و آنان نیز روی‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند. چنانکه علنا در فتنه ۸۸ از آنها حمایت رسانه‌ای و مالی کردند و پس از انتخابات ۹۲ نیز تمام قد به حمایت از آنان پرداختند. در سال‌های گذشته حزب مشارکت و در حال حاضر، حزب اتحاد ملت را که تنها نقاب و نامی عوض کرده است می‌توان مصداق چنین جریان دانست.

۲- دسته سوم طیف روشنفکری است که مسلح به ابزار هنر و قلم و ادبیاتند و هیچ سازگاری با عناصر اسلامی نظام چون تقوا، دین، ایمان و اخلاق ندارند. طبیعت‌شان این است که اهل خطر و وارد شدن به صحنه‌های سخت و دشوار نیستند و سازماندهی‌شان نیز توسط دست‌های بیگانه است که عموماً در داخل کشور از طرف سفارت فرانسه و انگلیس و آلمان تغذیه شده و می‌شوند. احساس می‌شود در سینما، مطبوعات، رادیو و تلویزیون جا خوش کرده‌اند و ابتدا با حرکات فرهنگی آغاز کرده و پس از مدتی سیاست را نیز جانشین‌اش کرده‌اند. اعتقاد نیست و تنها ظاهری زیبا دارد. طبیعت اهل قلم و روشنفکر جماعت مادی‌مسلك چنین نیست و منافع مادی و سرسپردگی سفارتخانه‌های غربی در میان است، حرفشان از روی ایمان و اعتقاد نیست و تنها ظاهری زیبا دارد. طبیعت اهل قلم و روشنفکر جماعت مادی‌مسلك چنین است که در میان سخن چنان زمین و آسمان را به هم می‌دوزند که مخاطب خیال کند سوخته‌جانی است عارف‌مسلك! در حالی که با بررسی بیشتر جز بندگی پول و بوی عفن پست و منصب و شهرت چیز دیگری نیست.

انتخابات در سال ۱۳۷۰ از شورای نگهبان در این باره درخواست نظر تفسیری کرده بود و از آنجا که شورای نگهبان به موجب اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر این قانون را برعهده دارد درباره اصل ۹۹ نظر تفسیری خود را اعلام کرد. در این نظر طی شماره ۱۳۳۴/۲۱۳۷/۳۱/۱۳۷۰ آمده است: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیدها می‌شود». به موجب اصول حقوق اساسی، تفسیر قانون اساسی در حکم قانون اساسی است بنابراین تفسیر شورای نگهبان امری در حکم قانون اساسی است لذا از نظر حقوقی معتبر و لازم‌الاجراست. به نظر می‌رسد نظارت استصوابی شورای نگهبان در عرصه نظر هم قابل دفاع باشد. ادله‌ای که می‌توان در این باره مطرح کرد، بدین قرار است که... ادامه در صفحه ۵